

بررسی وضعیت معلم حرفه‌ای در نظام آموزشی ایران (دوره قاجار و پهلوی)

معلم یکی از عناصر اصلی یاددهی - یادگیری نظام آموزشی است. پژوهش‌های علمی و تجربه نشان داده است که معلم حرفه‌ای و باکیفیت می‌تواند کسری‌های سایر عناصر آموزشی را در اثربخشی آموزش جبران نماید.

به نظر می‌رسد فناوری‌های آموزشی و کتاب‌های درسی، ابزاری در اختیار معلم است که به تعمیم بیشتر یادگیری بپردازد ولی معلم حرفه‌ای به‌تنهایی می‌تواند جای این ابزارها را پر کند. انگیزه معلم، ویژگی‌های شخصیتی و روحی مناسب، دانش موضوعی، دانش روان‌شناختی برای شناخت و درک دانش آموزان، مهارت‌های ارتباطی، آشنایی با شیوه‌ها و مهارت‌های تدریس و انتقال مطالب و مدیریت کلاسی مجموعه مهارت‌های حرفه‌ای و همچنین صلاحیت‌های حرفه‌ای یک معلم است؛ که یک معلم باید دارا باشد. در واقع صلاحیت حرفه‌ای مفهوم گسترده‌تری از مهارت‌های معلمی است یعنی معلم بتواند دانش و مهارتش را در موقعیت‌های واقعی به کار گیرد.

در واقع معلم حرفه‌ای کسی است که مجموعه‌ای از صلاحیت‌ها و مهارت‌های حرفه‌ای را به‌صورت پایدار و در سطح بالا دارا باشد و آن را در عمل به کار گیرد. در ایران با توجه به فرهنگ دینی، تعلیم و تعلم اهمیت و جایگاه ویژه‌ای در نظام فرهنگی دارد. در ۱۷۰ سال اخیر که آموزش‌های نوین و مدرن در ایران توسعه پیدا نموده است با وجود معلمان شاخص و حرفه‌ای در نظام تعلیم و تربیت کشور، سطح میانگین معلمان حرفه‌ای در نظام آموزشی پایین‌تر از حد استاندارد می‌باشد. علت چیست؟ چه چالش‌ها و موانعی بر سر راه ارتقا این شاخص مهم آموزشی وجود داشته است؟

در پاسخ به این سؤال می‌بینیم در دوره قاجار و پیش از تأسیس دارالفنون (۱۲۳۰ ه. ش) اغلب مکتبخانه‌ها توسط افرادی اداره می‌شد که مهارت چندانی در آموزش و روش تدریس نداشتند. با تأسیس دارالفنون نیاز به معلمان باسواد و تخصصی احساس شد. لذا برای تأمین کادر آموزشی از کشورهای اتریش، فرانسه و ایتالیا معلمانی دعوت شدند و در دارالفنون مشغول به کار شدند. با تأسیس مدرسه رشدیّه (۱۲۷۵ ه. ش) و بعدها تأسیس انجمن معارف و توسعه مدارس ابتدایی و تأسیس

مدارس متوسطه (۱۳۸۵ه‌ش) اهمیت وجود معلمان مجرب و تخصصی و حرفه‌ای بیشتر احساس شد. گرچه رشدیه و سایر مدارس نوین تازه تأسیس شخصاً کتاب‌ها و آموزش‌هایی برای معلمان مدرسه خود داشتند و انجمن معارف نیز در ۱۳۸۵ه‌ش به این موضوع تأکید داشت. بعدها دارالمعلمین در سال ۱۳۹۷ه‌ش و دارالمعلمات در سال ۱۳۰۷ه‌ش با هدف تربیت معلمان حرفه‌ای تأسیس شدند.

دانشسرای عالی (۱۳۱۲ه‌ش) و دانشسرای مقدماتی (۱۳۱۳ه‌ش) و تأسیس دانشگاه تهران در سال (۱۳۱۳ه‌ش) حرکتهای سریعی در این جهت و زمینه بود که معلمان حرفه‌ای تربیت کنند اما به نظر می‌رسد در عمل چالش‌هایی مانع توسعه کیفی و افزایش سطح میانگین نظام آموزشی جهت بهره‌برداری از معلمان حرفه‌ای شده باشد. این چالش‌ها و موانع چیست؟ از چه جنسی هستند و کدامند؟

اگر بخواهیم از منظر جامعه‌شناسی به تحلیل موضوع غیر حرفه‌ای بودن معلمی در ایران بپردازیم. باید موارد زیادی را در نظر بگیریم. با اینکه معلم حرفه‌ای صرفاً یک کار اداری و آموزشی نیست در واقع معلم حرفه‌ای یک نیاز و ضرورت اجتماعی است که بازتابی از ساخت اجتماعی، مناسبات قدرت، فرهنگ سیاسی و تحولات تاریخی دولت و جامعه ایرانی است.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که ساختار اجتماعی جامعه دوره قاجار، سنت محور و طبقاتی است و معلم مکتبخانه‌ها متخصص تربیتی نبودند و اکثراً فقط سواد خواندن و نوشتن داشتند و هدف آموزشی هم فقط سواد خواندن و نوشتن و حساب کردن در حد نیازهای ابتدایی و روزانه بود و به دلیل نظام استبدادی و ملوک‌الطوایفی و نبود راهبرد توسعه ملی عملاً آموزش نقشی در برنامه‌های ملی نداشت و تقاضای اجتماعی برای آن هم وجود نداشت. لذا وجود معلم حرفه‌ای ضرورتی نداشت.

در دوره پهلوی با هدف نوسازی و ملت‌سازی، آموزش مدرن گسترش پیدا کرد و دولت‌محوری در تربیت و جذب معلم شدت گرفت. معلم به جای یک صنف مستقل به کارمند دولت تبدیل شد. نوسازی از بالا و تمرکزگرایی از سوی حاکمیت در جامعه شدت گرفت. رشد سریع مدارس تربیت‌معلم با شتاب انجام می‌گرفت. در واقع معلم حرفه‌ای و آموزش تخصصی معلمی کم بود. بسیاری از نیروها به صورت موقت یا تجربی و یا در قالب سپاه دانش استخدام می‌شدند گرچه معلم به‌عنوان یک نقش جدیدی در جامعه شکل می‌گرفت اما حرفه‌ای شدن او ناقص ماند و دولت نقش «کارفرما» و «ناظر ایدئولوژیک» را داشت نه نهاد تسهیلگر حرفه‌ای.

بنابراین در این ۹۰ سال از تأسیس مدارس نوین، معلم هنوز به جایگاه صنفی و حرفه‌ای مورد انتظار دست نیافته است و به همان میزان، نظام آموزشی ما نتوانسته زمینه را برای تحول عمیق مطلوب را در جامعه ایران فراهم کند. در مقالات موجود این شماره این موضوع با تفصیل بیشتر بررسی می‌شود.

غلامرضا حمیدزاده*